

تأثیر روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو بر آگاهی از حقوق شهروندی دانش آموزان

دکتر عیسی برقی^{۱*}، مهدی یعقوبی^۲، سیروس اسدیان عباس بلاغی^۳

I. Barghi¹, M. Yaghubi², S. Asdian. A. Bolaghi³

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۰

Received Date: 2019/05/31

Accepted Date: 2020/03/05

چکیده

هدف: پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو بر آگاهی از حقوق شهروندی دانش آموزان دوره دوم متوسطه پرداخته است.

روش: این پژوهش، از نوع تحقیقات شبه آزمایشی بوده و طرح پژوهشی مورد استفاده در این پژوهش، طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری در این تحقیق، شامل کلیه دانش آموزان پسر سال اول دوره دوم متوسطه ناحیه ۳ آموزش و پرورش شهر کرمانشاه به تعداد ۴۵۹ نفر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. حجم نمونه براساس حداقل حجم نمونه لازم برای تحقیقات آزمایشی، ۶۰ نفر (۳۰ نفر برای گروه آزمایش و ۳۰ نفر برای گروه کنترل) تعیین و به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب گردید. آزمودنی های پژوهش حاضر شامل دانش آموزان ۲ کلاس اول دوره دوم متوسطه بودند که از این بین، یکی از کلاس ها به عنوان گروه آزمایش و یکی دیگر به عنوان گروه گواه (کنترل) انتخاب شد. برای اندازه گیری میزان آگاهی دانش آموزان از حقوق شهروندی، از پرسشنامه حقوق (کنترل) استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه، توسط صاحب نظران تأیید و پایایی درونی آن با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده ها، با استفاده از نرم افزار SPSS 23 انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آماری توصیفی و نیز استنباطی شامل تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده گردید.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد که اعمال روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو بر افزایش میزان آگاهی از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی دانش آموزان، مؤثر است.

کلید واژه ها: پداگوژی انتقادی، حقوق شهروندی، روش تدریس

۱. دانشیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۳. دانشیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

مقدمه و بیان مسئله

اصولاً در هر جامعه‌ای مدرسه منبع و مرجعی برای شناخت و آشنایی با ویژگی‌های همان جامعه به‌شمار می‌رود و مدارس این توانایی و ظرفیت را دارند که به‌عنوان مکانی راهبردی برای تشخیص و تعیین مسائل اجتماعی و یاری به دانش‌آموزان برای درک و فهم و تعیین و تمرین مسائلی مهم از جمله یک شهروند نقاد که در جامعه اختیار و مسئولیت دارند نگریسته شوند. همچنین، مدارس باید از این طریق ظرفیت‌های انسانی مانند غمخواری، همبستگی، اتحاد و همدردی را در افراد جامعه پرورش داده و به دانش‌آموزان فرصت ارزش‌گذاری و احترام به تفاوت‌ها در تمام عرصه‌های زندگی جمعی و تجزیه و تحلیل آن‌ها را آموزش دهند و معلمان هم باید مسئولیت نقش‌هایی که موجب تغییر و دگرگونی سیاسی می‌شود را بر عهده بگیرند (Hatami and Ghasemi, 2016).

یکی از مهم‌ترین گفت‌وگوهای اساسی اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی به‌خصوص در دو علم حقوق و علوم سیاسی، بحث نسبت حقوق و تکالیف افراد در عرصه اجتماع با یکدیگر، دولت و سایر بازیگران این عرصه است. این بحث، به فراخور، خود را در مصادیق مختلف نشان داده است و شاید بدون اغراق بتوان ادعا کرد که این مناقشه‌های نظری، سامان مشخصی نیافته است و البته این نابسامانی، نشان از تفاوت‌های نگرشی، بینشی و رفتاری منتج از مکاتب مختلف بشری دارد (Rezai and Balai, 2016). جایگاه این بحث در دانش حقوق، ذیل مبحث حقوق شهروندی قرار گرفته و در این زمینه، اندیشمندان رهیافت‌های متفاوتی داشته‌اند. از سوی دیگر، باید توجه کرد که این حوزه‌ی موضوعی در پیوند با موضوعات مهمی قرار می‌گیرد که پرداختن به نوع این پیوند و توالی یا تعاقب مفهوم حقوق شهروندی با آن‌ها و میزان و چگونگی تأثیر و تأثرات حقوق شهروندی از آن مفاهیم، اهمیت بسزایی دارد. موضوعاتی مانند آموزش، امنیت، تأمین اجتماعی، اشتغال و ... از وظایف دولت‌ها در نسل‌های اول، دوم، سوم و در سال‌های اخیر گفتمان نسل چهارم حقوق بشر شناخته شده است و در زمره‌ی حقوق شهروندی قرار می‌گیرد (Rezai and Balai, 2016).

حقوق شهروندی از مفاهیم بسیار مهم سیاسی-اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعبیرات مختلف حقوقی و سیاسی و فلسفی به‌کاررفته است. صاحب‌نظرانی که به قصد بررسی چگونگی تحول مفهوم شهروندی کتاب تاریخ را ورق زده‌اند در یک نکته اتفاق نظر دارند و آن اینکه شهروندی موقعیتی است که هم جایگاه افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسد و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که ادارهٔ باثبات امور، بر آن‌ها مبتنی است. اگرچه در تعاریف مختلف مفهوم شهروندی بر جنبه‌های حقوقی آن تأکید می‌شود، تجربهٔ شهروندی فقط به پایگاه حقوقی فرد بستگی ندارد و علاوه بر حقوق، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از تعهدات و تکالیف است. اهمیت این مطلب از آن جهت است که طبق این تعریف، مسئولیت شهروندی همان "خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است" (Shiani and Sepahvand, 2014). بدین معنا که افراد تا از حقوق شهروندی خودآگاهی نداشته باشند از وظایف خود مطلع نخواهند شد و به آن

عمل نخواهند کرد، زیرا حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت می‌کند و در خلأ شکل نمی‌گیرد. پس برای تحقق شهروندی، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آن‌ها را محترم بشمارند. از سویی دیگر، تحقیقات انجام شده در این زمینه، نشان‌دهنده عدم آگاهی افراد از حقوق شهروندی است. برای نمونه نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش (Sharifi and Eslamie, 2012) نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه سمنان از حقوق شهروندی، در سطح ضعیفی قرار دارد. همچنین نتایج تحقیق (Hazarjaribi and Amanian, 2011) حاکی از متوسط و ضعیف بودن ۸۰/۰۷ درصدی پاسخ‌دهندگان نسبت به آگاهی از حقوق شهروندی بود. همچنین، تجربیات روزمره در جامعه و محیط کار نیز، بیان‌کننده این عدم آگاهی مردم، از حقوق مصرحه در قانون است و این امر به‌ویژه در ایام انتخابات و یا مراجعه‌ی مردم به اداره‌جات و نهادهای مختلف، قابل‌مشاهده است. حقوق شهروندی، پیوندهای میان افراد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند (Sharbatian, Bokharai, Ahmadi, 2015). اگر افراد جامعه از شهروندی و حقوق آن، آگاهی نداشته باشند، پیوندهای میان افراد و جامعه در شکل‌های مختلف آن دچار اشکال شده و در نهایت در چهارچوب مدنظر شکل نخواهد گرفت و این امر می‌تواند زمینه‌سازی آسیب دو طرف را فراهم ساخته و باعث ایجاد نوعی بی‌اعتمادی در میان طرفین شود و این بی‌اعتمادی نیز به‌نوبه‌ی خود باعث ایجاد آسیب‌های بیشتر گردد (Sharbatian, Bokharai & Ahmadi, 2015).

از این‌رو، این مفهوم امروزه به‌عنوان یک دغدغه برای بسیاری از کشورها درآمده است. زیرا در عصری زندگی می‌کنیم که نیاز به آگاهی و شناخت پیرامون مسائل مختلف، نیازی بس بزرگ شناخته می‌شود. بر این اساس، هر ملتی سعی دارد تا افراد جامعه خود را با مقوله‌های شهروندی متناسب با باورها و هنجارهای ملی و شناخته شده آشنا سازد و از این طریق، ویژگی‌هایی که یک شهروند خوب و مثمرتر می‌بایست از آن‌ها برخوردار باشد به آن‌ها بیاموزد تا در عصر کنونی از سیر غافل‌هی جهانی باز نماند (Sharifi and Eslamie, 2012). از این‌رو در انواع آموزش‌ها، توجه به مفهوم حقوق شهروندی، دارای اهمیت است و از آنجایی که به نظر می‌رسد بیش‌ترین قسمت آموزش براساس آموزش رسمی انجام می‌گیرد، لذا باید در آموزش رسمی در مدارس، اهتمام ویژه‌ای به این امر مبذول داشت. از سویی باید توجه داشت که بیش‌ترین حجم زمانی و محتوایی آموزش رسمی، معطوف به تدریس و یادگیری کتاب‌های درسی تدوین‌شده از سوی نهادهای رسمی است و قسمت بیش‌تر تلاش معلمان در کلاس بر تدریس محتوای مشخص‌شده و تمام کردن آن در زمان مشخص‌شده می‌شود و این امر مانع از بررسی مفاهیمی همچون حقوق شهروندی در کلاس‌های درس می‌گردد. حتی به‌عنوان معلم در کلاس‌های دبیرستانی، به کرات این جمله را از دانش‌آموزان شنیده‌ایم که "یادگیری این مطلب، به چه درد ما می‌خورد". به همین خاطر، اتخاذ رویکردهایی در جهت رفع این مشکل، مهم می‌نماید. از مهم‌ترین رویکردهایی که در مجامع مختلف، در این جهت مورد توجه قرار گرفته است، رویکرد تعلیم و تربیتی انتقادی است چرا که "این رویکرد، نقد را به‌عنوان اصلی مهم برای روشنگری و آگاهی و

راهنمای عمل متفکرانه تلقی می‌کند" (Macarthy, 2010). در این میان، می‌توان به رابطه آموزش و حقوق شهروندی اشاره نمود. به نظر می‌رسد که این دو مفهوم دارای رابطه‌ای تعاملی باشند چرا که برخورداری از آموزش رایگان، براساس بند سی‌ام قانون اساسی، جزو حقوق مسلم هر فرد تلقی شده است (Azizi, 2016) و از سویی دیگر بدیهی است که اگر آموزش و شیوه آن در جهتی باشد که آگاهاننده اذهان شهروندان در مورد حقوق خود در سطح جامعه باشد، می‌تواند به برخورداری افراد از حقوق شهروندی، کمک شایانی نماید. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که در این زمینه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، نظریه ژيرو^۱ می‌باشد.

هنری ژيرو، متفکر آمریکایی که از فریره و مارکوزه متأثر بود، براساس اصول و آموزه‌های پذیرفته شده در نظریه انتقادی، نقد مسائل و مشکلات نظام آموزشی، فرهنگ، نژاد، جنسیت، نابرابری و بی‌عدالتی را بررسی و الگوی آموزشی انتقادی را عرضه کرد. ژيرو از نظریه‌پردازان سیاسی و فرهنگی است که آثار گران‌بهایی در تعلیم و تربیت انتقادی دارد و بررسی دیدگاه‌های او در این زمینه می‌تواند ما را یاری رساند (Mohamadi, Bageri, Zibakalam, 2014). ژيرو بر سواد انتقادی تأکید کرده و آن را چگونگی تشخیص مسائل و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌داند (Kardan, 2017). به نظر ژيرو، اگر افراد در ضمن آموختن خواندن و نوشتن، این‌گونه تحلیل را نیاموزند، کورکورانه فرهنگ حاکم را می‌پذیرند و در نتیجه در استثمار خود به استثمارگران کمک می‌کنند. به همین سبب بر این باور است که معلمان و کارشناسان فرهنگی، امروزه به زبان سیاسی و پرورشی نو نیازمند هستند تا به کمک آن بتوانند به زمینه‌های تغییر و حل مسائلی که جهان دچار آن است، توجه نمایند (Dinaravand, Imani, 2008). در خصوص چپستی تعلیم و تربیت در رویکرد انتقادی، می‌توان گفت این رویکرد با جهت‌گیری عمیق و عملی خود و تعیین صحت نظریه‌ها، براساس میزان قابلیت‌های عملی آن‌ها در تغییر مناسبات اجتماعی و همچنین با تأکید بر خرد و عقلانیت ذاتی برای روشنگری و آگاهی‌بخشی از دیدگاه‌های پوزیتیویستی فاصله گرفته و خود را در دامن اندیشه‌های نوین تعلیم و تربیت جای داده است (Khosravi and Sajadi, 2011). به نظر ژيرو، هدف آموزش و پرورش، کمک به افراد برای کسب دانش مورد نیاز به منظور کامیابی به عنوان یک شهروند است (Agazadeh and Dabirinezhad, 2001). متفکران نظریه‌ی انتقادی و حتی ژيرو معتقد هستند که دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها با روش گفتمان، بهتر و روشن‌تر می‌شوند. در تعلیم و تربیت انتقادی، گفتگو روشی است که از طریق آن، شاگردان، در کلاس درس با استفاده از زبان (کلامی و غیرکلامی)، نماد و تصویر، باهم پیوند می‌یابند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بنابراین، گفتگوی مؤثر آموزشی، می‌تواند با ایجاد فضای مشترک و ارتباط دوسویه بین فراگیران با یکدیگر و فراگیران با معلمان، زمینه‌ی دادوستدهای اجتماعی را فراهم آورد. این مهم، در فرایند یاددهی-یادگیری زمینه تحول‌آفرینی را فراهم می‌سازد (Marjani, 2006). در این راستا، نتایج پژوهش Ebrahimi and Hagzad (2018) نشان داد که میزان آگاهی شهروندان با سن آنان ارتباط

معناداری دارد و سطح تحصیلات نیز بر میزان آگاهی تأثیر مثبتی دارد، اما ارتباطی بین جنسیت با میزان آگاهی مشهود نیست. نتایج پژوهش (Ahmadi and Keshavarz, 2018) با عنوان "جایگاه آموزش شهروندی و حقوق شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی" نشان داد که توجه به مؤلفه‌های مهارت شهروندی بیشتر از دو مؤلفه دیگر است. نگرش شهروندی در جایگاه دوم قرار دارد و دانش شهروندی در جایگاه سوم اهمیت قرار دارد. از میان مؤلفه‌های مربوط به حقوق شهروندی، توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری از بیشترین ضریب اهمیت برخوردار است. (Bahrami, 2017) Tajmezinani, Amiri به این نتیجه رسیدند که میزان آگاهی دانش‌آموزان از کلیه حقوق شهروندی متوسط و زیاد می‌باشد. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی حقوق شهروندی، کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته‌اند. علاوه بر این، پژوهش نشان داد که بین جنسیت، نوع تحصیلات، میزان عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستایی یا شهری بودن) و استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. (Hahn, Truman & Williams, 2018) در پژوهشی خود با یک بررسی مختصر از تاریخ ایالات متحده نشان دادند که فقدان حقوق مدنی برای سیاه‌پوستان، بومی‌ها و سرخ‌پوستان آمریکایی در درازمدت با نابرابری مداوم بهداشتی مرتبط بوده است. همچنین Medina adna etal (2015) در پژوهشی با عنوان "آموزش شهروندی در برنامه تحصیلی اروپا به لزوم آموزش شهروندی در برنامه درسی به‌عنوان موضوعی خاص"، با استفاده از روش‌ها و فنون یادگیری مختلف تأکید می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که اهداف آموزش شهروندی در هر کشور نسبت به کشوری دیگر با توجه به ملیت، سنت و فرهنگ به‌طور متفاوتی شکل گرفته و مهم‌تر از همه بستگی به رویکرد برنامه درسی دارد. (Esteves, 2015) در مقاله‌ای با عنوان "آموزش شهروندی - معلمان جغرافیا درباره این موضوع چه فکری می‌کنند و نحوه مشارکت آن‌ها چگونه است؟" به نقش معلمان جغرافیا در آموزش شهروندی می‌پردازد و اطلاعات تحقیق وی از ۱۸۰ معلم مدارس متوسطه از طریق پرسشنامه پاسخ باز جمع‌آوری شد و دیدگاه معلمان در مورد آموزش شهروندی و نحوه قرار دادن برنامه درسی تجزیه و تحلیل شد و در پایان نتیجه‌گیری شد که دانش‌آموزان به‌طور کلی باید آماده شوند که شهروندانی فعال باشند.

شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که به‌طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های موردنظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به‌عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای براساس نظم و عدالت دارد. لذا به نظر

می‌رسد که اتخاذ چنین روشی در امر آموزش و پرورش دانش‌آموزان، بتواند در آگاهی دهی نسبت به حقوق شهروندی، مؤثر باشد. از این رو سؤال پژوهش حاضر چنین مطرح می‌گردد که آیا روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژینو بر آگاهی از حقوق شهروندی در دانش‌آموزان دوره‌ی دوم متوسطه تأثیر دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات شبه آزمایشی بوده و طرح پژوهشی مورد استفاده در این پژوهش، طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سال اول دوره دوم متوسطه ناحیه ۳ آموزش و پرورش شهر کرمانشاه به تعداد ۴۵۹ نفر در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ بود. انتخاب دانش‌آموزان پسر به‌عنوان جامعه آماری، جهت کنترل تأثیر جنسیت بر نتایج تحقیق انجام شده است. حداقل حجم نمونه برای هر گروه ۳۰ نفر تعیین گردید (دلور، ۱۳۹۴). آزمودنی‌های پژوهش حاضر شامل دانش‌آموزان ۲ کلاس اول دبیرستان ناحیه‌ی ۳ شهر کرمانشاه بودند که با توجه به محدودیت‌های پژوهش از لحاظ شرایط خاص کنترل متغیرهای اثرگذار، مسائل اداری، رضایت آزمودنی‌ها، امکانات، به روش نمونه‌گیری در دسترس، دو مدرسه انتخاب و هر یک از کلاس‌ها به‌صورت تصادفی به یکی از گروه‌های آزمایشی و کنترل طرح آزمایشی گمارده شدند (جدول ۲). انتخاب جداگانه مدارس، به علت جلوگیری از گسترش عوامل تخریب‌کننده‌ی اعتبار آزمایش که در اثر تماس دانش‌آموزان ممکن است به وجود آیند، صورت گرفت. بر این اساس برای گروه آزمایشی، کلاسی با حجم ۳۱ نفر و برای گروه کنترل، کلاسی با حجم ۳۰ نفر، انتخاب و گمارده شدند که در نهایت حجم نمونه بالغ بر ۶۱ نفر شد و با توجه به افت آزمودنی‌ها برای هر گروه ۲۷ نفر انتخاب شد (جمعاً ۵۴ نفر). در این پژوهش از پرسشنامه حقوق شهروندی شریفی و اسلامی (۱۳۹۱) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. این پرسشنامه در سال ۱۳۹۱ توسط شریفی و اسلامی براساس ابعاد حقوق شهروندی که «مارشال» در سال ۱۹۹۲ ارائه نموده، ساخته شده و دارای ۲۱ عبارت است و ۳ خرده‌مقیاس حقوق مدنی (سؤالات ۱ تا ۴)، حقوق سیاسی (سؤالات ۵ تا ۱۱) و حقوق اجتماعی (سؤالات ۱۲ تا ۲۱) را شامل می‌شود. در پژوهش Sharifi and Eslamie (2012) روایی این پرسشنامه، تأیید و پایایی آن نیز براساس ضریب آلفای کرونباخ^۱ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۳ و برای مؤلفه‌های حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۸۰ و ۰/۷۹ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز، روایی آن، از نظر متخصصان تأیید شد و پایایی آن، براساس ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ و برای مؤلفه‌های حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۶۳، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ محاسبه شد. پرسشنامه‌ها در گروه‌های آزمایشی و کنترل گمارده شده بودند، پخش گردید و بعد از

1. Cronbach's alphabet

مدت زمان تعیین شده، جمع‌آوری شد (پیش‌آزمون). سپس، از معلمان آموزش‌دیده خواسته شد تا کلاس درس خود را به تعداد ۱۲ جلسه و براساس روش تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو در درس جامعه‌شناسی یک و سناریوی تدریس تدوین شده براساس سبک تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو، اداره نمایند. پس از پایان ۱۲ جلسه، مجدداً پرسشنامه‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل پخش شد و بعد از مدت زمان تعیین شده، جمع‌آوری گردید (پس‌آزمون). بعد از اتمام آموزش برای گروه آزمایش، برای گروه کنترل نیز آزمایش صورت گرفت.

روش تدریس براساس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو: سناریوی تدریس براساس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو، با مرور نظریات انتقادی ژيرو در زمینه‌ی تعلیم و تربیت، طراحی شده و پس از دریافت نظرات متخصصان حوزه‌ی برنامه‌ریزی درسی و اصلاح آن، جهت اجرا در اختیار معلمان کلاس‌های منتخب در نمونه‌ی پژوهش، قرار گرفت. این سناریو، شامل دوازده مرحله است که توسط معلمان علوم اجتماعی (درس جامعه‌شناسی یک پایه اول متوسطه) در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و براساس برنامه هفتگی کلاسی اجرا گردید (Azizi, 2016).

جدول (۱): سناریوی تدریس براساس روش پداگوژی انتقادی ژيرو

| جلسه | فعالیت | توضیح |
|------|---|--|
| ۱ | انتخاب محتوای مورد بحث | در این جلسه علاوه بر ادامه درس جامعه‌شناسی یک معلم، از دانش‌آموزان می‌خواهد تا از میان بندهایی از قانون اساسی که به حقوق شهروندی مربوط است، تعدادی را برای بحث و گفت‌وگو انتخاب کنند و همچنین در مورد اخلاق به‌عنوان محور اصلی تعلیم و تربیت ژيرو به بحث و بررسی بپردازند. |
| ۲ | بحث تعاملی در مورد قانون اساسی | در این جلسه علاوه بر ادامه درس جامعه‌شناسی یک، معلم توضیحاتی در مورد بندهای قانون اساسی مربوط به حقوق شهروندی ارائه کرده و از دانش‌آموزان می‌خواهد نظرات خود را در آن باره اعلام کرده و با دیدگاه انتقادی محتوای دروس خود را آزادانه ارزشیابی نمایند. |
| ۳ | بحث تعاملی در مورد ساختار قدرت در مدرسه | در این جلسه، علاوه بر ادامه درس جامعه‌شناسی یک، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا در گروه‌های چند نفره، ساختار قدرت در مدرسه را در دو بخش رسمی و غیررسمی بحث کرده و گزارش خود را در زمان مشخص شده به کلاس ارائه دهند. |
| ۴ | انتخاب محتوای مورد بحث | در این جلسه علاوه بر ادامه درس جامعه‌شناسی یک، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا تعدادی از مشکلات اجتماعی و فرهنگی را با دلیل برای بحث و گفت‌وگو انتخاب کنند و هویت و مناسبات اجتماعی جدید را برشمرده و آزادانه توضیح دهند. |
| ۵ | بحث یک مشکل اجتماعی- | در این جلسه علاوه بر ادامه درس جامعه‌شناسی یک، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا در مورد مشکلات رعایت و یا عدم رعایت حقوق شهروندی از |

| | |
|---------------------------------------|---|
| فرهنگی و ارائه‌ی راه‌حل برای آن | طرف دولت و مردم به‌صورت متقابل در شهر خود بحث نموده و راه‌حل‌های خود را ارائه دهند. |
| ۶ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۷ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۸ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۹ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۱۰ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۱۱ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |
| ۱۲ | طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه |

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف- یافته‌های توصیفی: در این قسمت، ابتدا شاخص‌های مربوط به گرایش‌های مرکزی و سپس، شاخص‌های مربوط به پراکندگی ارائه شده است. لازم به ذکر است که در جریان انجام تحقیق، تعداد ۴ نفر از شرکت‌کنندگان گروه آزمایش و تعداد ۳ نفر از شرکت‌کنندگان گروه کنترل، در اجرای پس‌آزمون، غیبت داشتند و تحلیل داده‌ها با نفرات باقیمانده انجام شد.

جدول (۲): شاخص‌های گرایش مرکزی برای متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی

| متغیرها | گروه | فراوانی آزمودنی‌ها | پیش‌آزمون | | پس‌آزمون | |
|-----------------|--------|-----------------------|-----------|-----------------------|----------|-----------------------|
| | | | میانگین | خطای معیار میانگین | میانگین | خطای معیار میانگین |
| حقوق مدنی | آزمایش | ۲۷ | ۱۰/۶۷ | ۰/۵۳ | ۱۵/۴۱ | ۰/۳۴ |
| | کنترل | ۲۷ | ۱۰/۹۶ | ۰/۴۷ | ۱۱/۲۶ | ۰/۶۰ |
| حقوق سیاسی | کل | ۵۴ | ۱۰/۸۱ | ۰/۳۵ | ۱۳/۳۳ | ۰/۴۴ |
| | آزمایش | ۲۷ | ۱۸/۷۴ | ۰/۹۳ | ۲۶/۸۱ | ۰/۵۳ |
| حقوق اجتماعی | کنترل | ۲۷ | ۱۵/۵۹ | ۰/۴۹ | ۱۷/۱۵ | ۰/۶۱ |
| | کل | ۵۴ | ۱۷/۱۷ | ۰/۵۶ | ۲۱/۹۸ | ۰/۷۸ |
| حقوق اجتماعی | آزمایش | ۲۷ | ۲۵/۵۶ | ۰/۷۵ | ۳۸/۶۷ | ۱/۰۰ |
| | کنترل | ۲۷ | ۲۳/۵۲ | ۰/۵۲ | ۲۵/۰۰ | ۱/۰۱ |
| | کل | ۵۴ | ۲۴/۵۳ | ۰/۴۷ | ۳۱/۸۳ | ۱/۱۸ |

جدول ۲، شاخص‌های گرایش مرکزی را برای متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

جدول (۳): شاخص‌های پراکندگی برای متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی

| متغیرها | گروه | فراوانی آزمودنی‌ها | پیش‌آزمون | | پس‌آزمون | |
|-----------------|--------|-----------------------|-----------|--------------|----------|--------------|
| | | | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |
| حقوق مدنی | آزمایش | ۲۷ | ۷/۴۶ | ۲/۷۳ | ۳/۱۰ | ۱/۷۶ |
| | کنترل | ۲۷ | ۶/۰۴ | ۲/۴۶ | ۹/۷۴ | ۳/۱۲ |
| حقوق سیاسی | کل | ۵۴ | ۶/۶۴ | ۲/۵۸ | ۱۰/۶۸ | ۳/۲۶ |
| | آزمایش | ۲۷ | ۲۳/۲۸ | ۴/۸۲ | ۷/۶۲ | ۲/۷۶ |
| حقوق اجتماعی | کنترل | ۲۷ | ۶/۴۸ | ۲/۵۵ | ۱۰/۱۳ | ۳/۱۸ |
| | کل | ۵۴ | ۱۷/۱۲ | ۴/۱۴ | ۳۲/۵۱ | ۵/۷۰ |
| حقوق اجتماعی | آزمایش | ۲۷ | ۱۵/۱۰ | ۳/۸۹ | ۲۷/۴۶ | ۵/۲۴ |
| | کنترل | ۲۷ | ۷/۲۶ | ۲/۶۹ | ۲۷/۶۹ | ۵/۲۶ |
| | کل | ۵۴ | ۱۲/۰۳ | ۳/۴۷ | ۷۴/۶۳ | ۸/۶۴ |

جدول ۳، شاخص‌های پراکندگی را برای متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

ب- یافته‌های استنباطی: با توجه به مقایسه سه مولفه‌ی متغیر حقوق شهروندی (حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی) بین گروه‌های آزمایش و کنترل، تحلیل با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (MANCOVA) انجام شد. برای این کار، ابتدا پیش‌فرض‌های نرمال بودن،

عدم وجود داده‌های پرت، همگنی شیب رگرسیون، همسانی واریانس بین گروه‌های آزمایش و کنترل و یکسانی ماتریس واریانس- کوواریانس بین متغیرهای وابسته، مورد بررسی قرار گرفت و بعد از اطمینان از رعایت این پیش‌فرض‌ها، تحلیل انجام شد. در این آزمون، نمره شرکت‌کنندگان در متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در مرحله‌ی پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر کووریت و نمره‌ی شرکت‌کنندگان در متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در مرحله‌ی پس‌آزمون، به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند. یکسانی ماتریس واریانس- کوواریانس بین متغیرهای وابسته: برای بررسی این مفروضه، از آزمون ام‌باکس^۱ استفاده شد.

جدول (۴): آزمون ام‌باکس برای بررسی یکسانی ماتریس واریانس- کوواریانس بین متغیرهای وابسته

| آماره ام‌باکس | F | درجه آزادی ۱ | درجه آزادی ۲ | سطح معناداری |
|---------------|------|--------------|--------------|--------------|
| ۱۱/۷۳ | ۱/۸۳ | ۶ | ۱۹۵۹۱/۲۵ | ۰/۰۸۹ |

جدول ۴، نتیجه‌ی آزمون ام‌باکس را برای بررسی یکسانی ماتریس واریانس- کوواریانس بین متغیرهای وابسته نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره‌ی ام‌باکس برابر با ۱۱/۷۳ و از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نیست ($P > 0.05$). لذا این پیش‌فرض رعایت شده است.

جدول (۵): آماره چندمتغیری اثر پیلایی برای بررسی معناداری تفاوت متغیرهای حقوق مدنی، حقوق

سیاسی و حقوق اجتماعی بین گروه آزمایش و کنترل

| اثر پیلایی | F | درجه آزادی فرضیه | درجه آزادی خطا | سطح معناداری |
|------------|-------|------------------|----------------|--------------|
| ۰/۷۶۷ | ۵۱/۴۸ | ۳ | ۴۷ | ۰/۰۰۱ |

جدول ۵، نتایج آزمون چندمتغیره اثر پیلایی را برای بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در بین گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره‌ی اثر پیلایی، ۰/۷۶۷ و از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد ($P \leq 0.05$)، یعنی حداقل در یکی از متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در بین گروه آزمایش و کنترل، تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول (۶): آزمون‌های اثر بین گروهی متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی در بین گروه آزمایش و کنترل

| منبع تغییرات | متغیر وابسته | درجه آزادی | مجدورات میانگین | F | سطح معناداری | مجدور همبستگی اتا |
|--------------------------|--------------|------------|-----------------|-------|--------------|-------------------|
| گروه | | ۱ | ۲۶۲/۷۳ | ۴۵/۹۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۸۴ |
| اثر کوریت | حقوق | | | | | |
| (پیش‌آزمون حقوق مدنی) | مدنی | ۱ | ۲۰/۵۹ | ۳/۶۱ | ۰/۰۶۳ | --- |
| گروه | | ۱ | ۱۱۴۹/۶۵ | ۱۳/۹۹ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۳۸ |
| اثر کوریت | حقوق | | | ۷ | | |
| (پیش‌آزمون حقوق سیاسی) | سیاسی | ۱ | ۴۱/۷۶ | ۵/۰۱ | ۰/۰۳۰ | --- |
| گروه | | ۱ | ۲۳۰۷/۱۱ | ۸۴/۶۷ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۳۳ |
| اثر کوریت | حقوق | | | | | |
| (پیش‌آزمون حقوق اجتماعی) | اجتماعی | ۱ | ۱/۹۰ | ۰/۰۷ | ۰/۷۹۳ | --- |

جدول ۶، نتایج آزمون مقایسه‌ی بین آزمودنی‌ها را برای متغیرهای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره‌ی F برای بررسی تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق مدنی، ۴۵/۹۹ بوده و از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد ($P \leq 0/01$). با توجه به جدول ۸ (جدول آماره‌های توصیفی) می‌توان گفت که میانگین متغیر حقوق مدنی گروه آزمایش، بیشتر از گروه کنترل است. علاوه بر این، براساس مجدور همبستگی اتا، ۴۸/۴ درصد متغیر حقوق مدنی به‌وسیله متغیر مستقل پژوهش (روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو) تبیین شده است. ضمناً باید توجه داشت که تأثیر متغیر کوریت (پیش‌آزمون حقوق مدنی) جهت کنترل تفاوت‌های اولیه گروه‌های آزمایش و کنترل، از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار نیست ($P > 0/01$).

همچنین، مقدار آماره‌ی F برای بررسی تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق سیاسی، ۱۳۷/۹۹ بوده و از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد ($P \leq 0/01$). با توجه به جدول ۸ (جدول آماره‌های توصیفی) می‌توان گفت که میانگین متغیر حقوق سیاسی گروه آزمایش، بیشتر از گروه کنترل است. علاوه بر این، براساس مجدور همبستگی اتا، ۷۳/۸ درصد متغیر حقوق سیاسی به‌وسیله متغیر مستقل پژوهش (روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو) تبیین شده است. ضمناً باید توجه داشت که تأثیر متغیر کوریت (پیش‌آزمون حقوق سیاسی) جهت کنترل تفاوت‌های اولیه گروه‌های آزمایش و کنترل، از لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار نیست ($P > 0/01$).

علاوه بر این، مقدار آماره F برای بررسی تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق اجتماعی، ۸۴/۶۷ بوده و از نظر آماره در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد ($P \leq 0/01$). با توجه به جدول ۸ (جدول آماره‌های توصیفی) می‌توان گفت که میانگین متغیر حقوق اجتماعی گروه آزمایش، بیشتر از گروه کنترل است. علاوه بر این، براساس مجذور همبستگی اتا، ۶۳/۳ درصد متغیر حقوق اجتماعی به وسیله متغیر مستقل پژوهش (روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو) تبیین شده است. ضمناً باید توجه داشت که تأثیر متغیر کوریت (پیش‌آزمون حقوق اجتماعی) جهت کنترل تفاوت‌های اولیه گروه‌های آزمایش و کنترل، از لحاظ آماره در سطح ۰/۰۱، معنادار نیست ($P > 0/01$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی تحلیل نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق مدنی، تفاوت معنادار آماره وجود دارد و میانگین متغیر حقوق مدنی در گروه آزمایش، بیش‌تر از گروه کنترل است؛ لذا می‌توان گفت که اعمال متغیر مستقل آزمایشی (روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو) بر افزایش میزان آگاهی از حقوق مدنی گروه آزمایش، مؤثر بوده است. در بررسی تطبیقی این یافته با پژوهش‌های پیشین، تحقیقی یافت نشد که به صورت مستقیم، به بررسی تأثیر روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو بر میزان آگاهی از حقوق مدنی پرداخته باشد؛ اما نتایج پژوهش حاضر از جهت تأثیر آموزش بر آگاهی از حقوق شهروندی، با یافته‌های (Bahrami and et al (2017 مبنی بر رابطه تحصیلات بر آگاهی از حقوق شهروندی تا حدودی مرتبط و همسو است. همچنین، نتایج پژوهش حاضر از جهت تأثیر آموزش بر آگاهی از حقوق شهروندی با نتایج پژوهش (Shiani and Spahvan (2017 مبنی بر اینکه آموزش‌های اجتماعی، آموزش‌های فرهنگی، آموزش‌های اداری-سیاسی و آموزش‌های اقتصادی در آشناسازی دانش‌آموزان با حقوق شهروندی مؤثر بوده، همسو است. حق شهروندی مدنی به معنای برخورداری از حق آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی انتخاب مذهب، آزادی مالکیت، آزادی قلم و مانند آن است. از سویی دیگر، براساس اصل گفتمان هنری ژيرو، مربیان باید در جریان تعلیم و تربیت، همه دانش‌آموزان را وارد جریان گفتگو و بحث آموزشی نموده و با تشکیل گروه‌های گفتگو به اشکال مختلف، زمینه‌ای را فراهم آورند که تمامی دانش‌آموزان بدون توجه به نژاد و طبقه اجتماعی در جریان گفتگو شرکت فعال داشته باشند و به بازانديشي و طرح مسائل گوناگون فردی اجتماعی بپردازند. لذا در تبیین این یافته می‌توان گفت، با به‌کارگیری رویکرد تعلیم و تربیتی هنری ژيرو و مخصوصاً کاربست اصل گفتمان، محیطی در مدرسه و کلاس ایجاد شود که در آن، دانش‌آموزان بتوانند عقاید و نظرات خود را به صورت آزاد و در فضایی محترمانه بیان نمایند و از این راه، به حقوق مدنی خود در جامعه واقف شوند؛ لذا می‌توان انتظار داشت که به‌کارگیری روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو باعث افزایش آگاهی از حقوق شهروندی مدنی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شود.

همچنین، نتیجه‌ی تحلیل نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق سیاسی، تفاوت معنادار آماری وجود دارد و میانگین متغیر حقوق سیاسی گروه آزمایش، بیشتر از گروه کنترل است. لذا می‌توان گفت که اعمال متغیر مستقل آزمایشی (روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو) بر افزایش میزان آگاهی از حقوق سیاسی گروه آزمایش، مؤثر بوده است. در بررسی تطبیقی این یافته با پژوهش‌های پیشین، تحقیقی یافت نشد که به صورت مستقیم، به بررسی تأثیر روش تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو بر میزان آگاهی از حقوق سیاسی پرداخته باشد؛ اما نتایج پژوهش حاضر از جهت تأثیر آموزش بر آگاهی از حقوق شهروندی، با یافته‌های (Bahrami and et al (2017 مبنی بر رابطه تحصیلات بر آگاهی از حقوق شهروندی تا حدودی مرتبط و همسو است.

حق مشارکت و شهروندی سیاسی به معنای برخورداری از حق رأی، شرکت در انتخابات و مشارکت کردن در امور سیاسی جامعه است (Rezai and Balai, 2015) و از سویی دیگر، از نظر مربیان پسامدرن، برخلاف نظریه پردازان سنتی که آموزش و پرورش را موضوعی بی‌طرف (خنثی) می‌دانند، تعلیم و تربیت امری سیاسی است. از این جهت، ژيرو بر این باور است که تعلیم و تربیت نه تنها باید به وجود آورنده‌ی دانش تلقی شود، بلکه باید به وجود آورنده‌ی فعالان سیاسی باشد. تعلیم و تربیت انتقادی به جای رد کردن زبان سیاست، باید آموزش عمومی را با ضروریات یک دموکراسی انتقادی پیوند دهد و علاوه بر این، در روش‌های تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی، بر نظر خواهی از دانش‌آموزان و مشارکت آنان در اداره امور مدارس و کلاس‌ها برای یادگیری مشارکت در امر جامعه، تأکید شده است. همچنین در رویکرد تربیتی ژيرو، تغییر جامعه به منظور برابری همه شهروندان از طریق مشارکت فعال در جامعه، مورد تأکید قرار گرفته است. از تین رو، در تبیین این یافته می‌توان گفت، با به کارگیری رویکرد تعلیم تربیتی هنری ژيرو و مخصوصاً کاربرد اصل تدریس که ژيرو آن را نوعی پدیده‌ی سیاسی می‌داند، محیطی در مدرسه و کلاس ایجاد شود که در آن، دانش‌آموزان بتوانند در اداره امور مدرسه و کلاس خود، مشارکت داشته و از این راه، به حقوق سیاسی خود در جامعه واقف شوند. لذا می‌توان انتظار داشت که به کارگیری روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو باعث افزایش آگاهی از حقوق شهروندی سیاسی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شود. همچنین، نتیجه تحلیل نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل در مورد حقوق اجتماعی، تفاوت معنادار آماری وجود دارد و میانگین متغیر حقوق اجتماعی گروه آزمایش، بیشتر از گروه کنترل است. لذا می‌توان گفت که اعمال متغیر مستقل آزمایشی (روش تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو) بر افزایش میزان آگاهی از حقوق اجتماعی گروه آزمایش، مؤثر بوده است. در بررسی تطبیقی این یافته با پژوهش‌های پیشین، تحقیقی یافت نشد که به صورت مستقیم، به بررسی تأثیر روش تدریس پداگوژی انتقادی هنری ژيرو بر میزان آگاهی از حقوق مدنی پرداخته باشد؛ اما نتایج پژوهش حاضر از جهت تأثیر آموزش بر آگاهی از حقوق شهروندی، با یافته‌های (Bahrami and et al (2017 مبنی بر رابطه تحصیلات بر آگاهی از حقوق شهروندی تا حدودی مرتبط و همسو است.

حق رفاه و شهروندی اجتماعی به معنای برخورداری از تأمین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی می‌باشد (Hahn and et al, 2018) از سویی دیگر، براساس اصل "نقد و انتقاد" روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی ژيرو، در جریان تعاملات تربیتی، هم مربی و هم شاگردان باید نسبت به محتوای آموزشی با دید انتقادی نگاه کنند؛ لذا رعایت این اصل در کلاس درس، این امکان و دیدگاه را به دانش‌آموز می‌دهد تا وضعیت موجود زندگی در جامعه را از ابعاد مختلف موردنقد و بررسی قرار دهد و موارد تطبیق یا عدم‌مطابقت آن با حقوق خود در قانون و عرف جامعه را واکاوی نموده و به حقوق خود در ابعاد مختلف زندگی از جمله حقوق شهروندی اجتماعی، آگاهی یابد. علاوه‌براین، طبق اصل "تربیت ضد اقتدار و سلطه‌گری" به حقوق همه‌ی افراد و شاگردان کلاس توجه شده است. پس نه‌تنها معلم حق اقتدار و سلطه بر کلاس و عقاید و افکار شاگردان را ندارد بلکه برنامه‌ریزان درسی و حتی یک گروه خاص از شاگردان نیز حق اقتدار و سلطه‌گری را بر گروه دیگر ندارند. لذا رعایت این اصل نیز، زمینه بروز واکاوی در حقوق از طرف فراگیر را فراهم نموده و منجر به آگاهی در این زمینه می‌گردد. لذا در تبیین این یافته می‌توان گفت، با به‌کارگیری رویکرد تعلیم تربیتی هنری ژيرو و مخصوصاً کاربری اصول "نقد و انتقاد" و "تربیت ضد اقتدار و سلطه‌گری"، محیطی در مدرسه و کلاس ایجاد شود که در آن، دانش‌آموزان بتوانند حقوق اجتماعی خود در جامعه را مورد کاوش و بررسی قرار داده و از این راه، به حقوق اجتماعی خود در جامعه واقف شوند. لذا می‌توان انتظار داشت که به‌کارگیری روش تدریس مبتنی بر پداگوژی انتقادی هنری ژيرو باعث افزایش آگاهی از حقوق شهروندی اجتماعی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شود.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، مبنی بر تأثیر روش تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو بر آگاهی از حقوق شهروندی، پیشنهاد می‌شود حداقل در کلاس‌هایی که به این موضوع اختصاص دارد، از این رویکرد استفاده شود و معلمان بخشی از مدیریت کلاس خود را براساس مبانی تدریس پداگوژی انتقادی ژيرو انجام دهند و بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای افزایش پداگوژی انتقادی بر حقوق شهروندی طرح بحث‌های کلاسی آزادمنشانه مورد استفاده قرار گیرد. همچنین نظرات دانش‌آموزان در امور کلاسی و مشارکت آنان در مدیریت مسائل کلاس درس مورد توجه باشد.

References

- Ahmadi, P., & Keshavarz, S. (2018). The place of citizenship education and citizenship rights in the elementary school social studies curriculum. *Bioethics*, 8 (2), 55-68. [in Persian].
- Aghazadeh, M., & Dabirinezhad, O. (2001). *New ideas in education*. Tehran: Ayizh Publications. [in Persian].
- Azizi, M. (2016). *Familiarity with the Constitution of the Islamic Republic of Iran (text of the Constitution with four-choice questions)*. Tehran: Green Dream. [in Persian].

- Bahrami, V., Taj Mazinani, A. K., & Amiri, H. (2017). Analysis of the factors affecting citizenship awareness among students (Case study: Poldakhtar city). *Welfare and Social Development Planning*, 8 (31), 116-81. [in Persian].
- Dinarvand, H., & Imani, M. (2008). Explaining the critical theory of critical education and its educational implications from the perspective of Freire, Vajir and its critique. *New Educational Thoughts*, 4 (3), 176-145. [in Persian].
- Ebrahimi, M., & Haqzad, A. (2018). Assessing the level of citizens' awareness of citizenship rights and urban laws (Case study: Tonekabon citizens). *Research of Nations*, 34, 119-128. [in Persian].
- Esteves, M. (2015). Citizenship education what geography teachers think on the subject and how they are involved. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.
- Hahn, T., & Williams, N. (2018). Civil rights as determinants of public health and racial and ethnic health equity: Health care, education, employment, and housing in the United States. *SSM - Population Health*, 4(1), 17-24.
- Hatami, J., & Ghasemi, M. (2015). The need to pay attention to the issue of multiculturalism and information technology in the school curriculum. 14th Annual Conference of the Curriculum Studies Association, Bu Ali University of Hamadan. [in Persian].
- Hazar Jaribi, J., & Amanian, A. (2011). Women's awareness of citizenship rights and the factors affecting it. *Regional Urban Studies and Research*, 3 (9), 1-18. [in Persian].
- Kardan, M. A. (2017). *The course of educational views in the West*. Tehran: Samat. [in Persian].
- Khosravi, R., & Sajjadi, S. Y. (2011). An Analysis of the Critical Theory of Education and Its Implications for the Curriculum. *Research in Curriculum Planning*, 2 (4), 1-14. [in Persian].
- Macarthy, T. (2010). *Critical theory*. London: Basil Blackwell.
- Marjani, B. (2006). Critical attitude in education. *New Educational Thoughts of Al-Zahra University*, 2 (1), 90-71. [in Persian].
- Medina, F., Elisa, N., & Nicolas de Alba, F. (2015). Citizenship Education in the European Curricula. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 197(1), 45-49.
- Mohammadi, A., Bagheri, KH., & Zibakalam, F. (2014). Principles and methods of social education based on Habermas theory of communication action. *Fundamentals of Education*, 2, 28-5. [in Persian].
- Rezaei, M., & Balaei, H. (2016). Security and civil rights; Priority or delay. *Security Horizons*, 30, 121-97. [in Persian].
- Sharifi, A., & Islamieh, F. (2012). A Survey of Students' Awareness of Citizenship Rights (Case Study of Islamic Azad University, Semnan Branch). *Higher Education Curriculum Studies*, 6, 109-124. [in Persian].
- Shiani, M., & Sepahvand, I. (2014). Radio and citizenship; Relationship between the content of radio programs and awareness of citizenship rights. *Social Studies and Research in Iran*, 2 (3), 469-503. [in Persian].
- Shiani, M. (2001). Sociological analysis of the citizenship situation in Lorestan. *Sociology of Iran*, 15, 80-60. [in Persian].